



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دفتر اساتید و محققین

حکما العلماء

تجربین و بزرگی های پیشوایان معصوم و مجربان

مزیاد دانش کس اولی نشت کنی صدی!

۱. ائمه زبیبها
۲. و خلیف مو خردینان
۳. مهن یار مشور مودینها
۴. دانشمندان عاشورا و ظهور

سید محمود بحر العلوم میرزا مادی

تولید و انتشار
موسسه فرهنگی و تحقیقاتی معارف اسلامی خوارزم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده خصائص الامراء

نویسنده:

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | گزیده خصائص الامراء |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | مقدمه |
| ۷ | [منظور خدا از خلق انسان] |
| ۸ | صلوة خاشعین [و یک سوال درباره‌ی باطن صلوة] |
| ۸ | پاسخ |
| ۸ | پیروی از سابقان |
| ۹ | مدد گرفتن از رسالت و امامت |
| ۹ | عبادت بی دستور |
| ۹ | شناخت نمایندگان خداوند |
| ۹ | فَهُوَ لَكُمْ |
| ۹ | «شعر» |
| ۱۰ | استواری در راه ولایت |
| ۱۰ | ابواب معارف الهیه |
| ۱۰ | كَلِمَةُ التَّقْوَى چیست؟ |
| ۱۱ | مهدویت و بقاء توحید |
| ۱۱ | نتیجه |
| ۱۱ | گروه رستگاران |
| ۱۱ | كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي |
| ۱۲ | صلوه ذریه |
| ۱۳ | قطب بشریت |
| ۱۳ | دستور ذکر |

- ۱۳ ذکر علی علیه السلام
- ۱۴ وقوف در آیات و روایات
- ۱۴ ذکر مولا
- ۱۶ سؤال شب معراج
- ۱۶ ایمان به ایمان
- ۱۶ شهر ولایت مأمّن اهل ایمان
- ۱۷ نورالله کیست؟
- ۱۷ آب و حیات بخشی آن
- ۱۸ تکبیره الاحرام
- ۱۹ «شعر»
- ۱۹ «تو خود حجابی»
- ۲۰ برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحرالعلوم
- ۲۰ پی نوشت
- ۲۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

گزیده خصائص الامراء

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: گزیده خصائص الامراء: بیان ویژگی‌های امراء منتخب الهی از آیات و روایات / محمود بحر العلوم میردامادی.
 بیان ویژگی‌های امراء منتخب الهی از آیات و روایات (قسمت اول) موضوع بیان ویژگی‌های امراء منتخب الهی از آیات و روایات
 مشخصات نشر: قم: عطر عترت ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۷۲ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰-۸۸۵۵-۴۲-۲ وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: به صورت زیر نویس موضوع: اولیا موضوع: ولایت -- جنبه‌های قرآنی موضوع: ولایت -- احادیث رده بندی
 کنگره: BP۲۲۳/۸/م ۹ خ ۶ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۳۴۰۳ www.imamalmahdi.com
 info@imamalmahdi.com

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ع وَهُوَ يَوْمَ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْعُدُورِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَبَنَى لَهُ قَصِيرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ وَنَصَّرَ وَجْهَهُ وَهُوَ يَوْمَ الزَّيْنَةِ فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْعُدُورِ عَفَرَ
 اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ
 فَإِنْ مَاتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا أَبِي الْقَاسِمِ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ لِاسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. به اسم تو می نویسم به یاری اسم
 تو چرا؟ زیرا خودت اسم را واسطه قرار دادی و در آغاز قرآن، فرمودی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَفَرَمُودِي وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
 فَادْعُوهُ بِهَا (۱) و حجت تو امام صادق علیه السلام فرمود: نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۲) و حجت تو امام رضا علیه السلام فرمود: إِذَا
 نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۳) امراء منتخب سخن پیرامون مقامات «امراء منتخب» است، لذا از کلام خدای
 متعال که منتخب پادشاهان هستی است آیاتی و از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت طاهرين عليهم السلام در موضوع
 این انتخاب و ویژگیها و خصائص آن، از جمله ویژگی حیات بخشی و سعادت آفرینی ولایت در جامعه بشری و نیازمندی انسان به
 این ولایت سخنانی می آوریم، و از او به وساطت امراء هستی، محمد و آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) مدد می جوئیم. سید
 محمود بحر العلوم - قم مقدسه میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۲۰ جمادی الثانی/ ۱۴۳۰

[منظور خدا از خلق انسان]

سخن ما با مؤمنان به غیب و معتقدین به مبدأ و معاد هستی است. کسی که ایمان به خداوند متعال یعنی بنا و سازنده‌ی هستی دارد،
 ممکن است سؤال کند که خدای حکیم برای چه منظور و حکمتی انسان را خلق نموده است؟ قرآن کریم می‌فرماید: وَ مَا خَلَقْتُ
 الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۴) (و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.) پس آیه شریفه، دلالت دارد بر اینکه
 غرض خلقت جن و انس عبادت الله است. باید دانست که عبادت انجام نمی‌گیرد و محقق نمی‌شود مگر با معرفت معبود و شناخت
 چگونگی عبادت که لایق او جل و علی باشد. و بدیهی است که معرفت یابی نسبت به مکلف (خدای متعال) و تکلیف (عبادت) به
 دست نمی‌آید مگر به وحی الهی، اینجاست که بشر خود را محتاج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شارحین وحی یعنی ائمه
 عليهم السلام باید بداند. (۵) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ... پس، بعد از اینکه انسان معتقد به عالم غیب شد، نوبت به عمل به دستوران

مُنَزَّل از غیب می‌رسد. یکی از مهمترین دستورات الهی، دستور «أقم الصلوة» (۶) است، خوب صلوة، یک مفهوم ظاهری دارد و آن ارکان مخصوصه است، که باید مکلف همواره به این تکلیف عمل نماید، و یک مفهوم باطنی و آن توجه به ولایت برگزیدگان الهی، مودت آنان و اقامه‌ی حق آنان است.

صلوة خاشعین [و یک سوال درباره‌ی باطن صلوة]

نماز خاشعین، نماز «مؤمنین» است که در سوره مؤنون بشارت فلاح و رستگاری آنان آمده است: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۷) به چه دلیل باطن صلوة را ولایت و اقامه‌ی حق صاحبان ولایت می‌دانیم؟

پاسخ

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث نورانیت می‌فرماید...: فَمَنْ أَقَامَ وَلَايَتِي فَقَدْ أَقَامَ الصَّلَاةَ... قال سلمان: قُلْتُ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ أَقَامَ وَلَايَتَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا سَلْمَانَ تَصَدِّقُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ الْعَزِيزِ: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ». فَالصَّبْرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الصَّلَاةُ إِقَامَةُ وَلَايَتِي فَمِنْهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ» وَ لَمْ يَقُلْ وَ «إِنَّهُمَا لَكَبِيرَةٌ» لِأَنَّ الْوَلَايَةَ كَبِيرَةٌ حَمْلُهَا إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۸) ترجمه: کسی که بپا دارد ولایت مرا به پا داشته است نماز را... سلمان عرض کرد: ای برادر رسول خدا! هر که به پا دارد ولایت شما را به پا داشته است نماز را؟ فرمود: آری ای سلمان! تصدیق آن در کتاب خدا آمده است که می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» پس صبر در آیه مراد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است و صلوة برپا داشتن ولایت من است و از همین جهت است که خدای تعالی نسبت به صلوة می‌فرماید: «إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ» و نفرموده است «إِنَّهُمَا لَكَبِيرَةٌ» (در این آیه، خدا امر فرموده که یاری بجوئید به صبر و صلوة لکن صلوة تنها را فرموده کبیره است یعنی بزرگ است، این است که در بیان، ضمیر مفرد برای صلوة آورده و گرنه باید ضمیر تثنیه که «إِنَّهُمَا» است به جای «إِنَّهَا» آورده باشد و کبیره بودن ولایت برای آن است که کسی تحمل آن را نمی‌تواند بکند مگر کسانی که اهل خشوعند؛ و اهل خشوع شیعیانند که مستبصر و بینايند و این برای آن است که اهل قیل و قالهایی که از فرقه مرجئه و قدریه و خوارج و غیر ایشان از ناصبها هستند، همه به پیغمبری محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قائلند و منکر نبوت او نیستند و اختلافی در آن ندارند اما در ولایت من اختلاف کردند و منکر آنند مگر کمی از مردم که خدا آنها را در کتاب عزیز خود وصف فرموده و گفته است که «إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» یعنی ولایت امر بزرگی است و تحمل آن را نمی‌کنند مگر کسانی که اهل خشوعند و آنها شیعیان می‌باشند.

پیروی از سابقان

همه می‌دانیم که سابقان در خیرات (ایمان و اعمال صالحه) پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و عترت آن حضرت (علیهم السلام) می‌باشند. کما قال الله تبارك و تعالی: السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۹... ۹) پیروان و مدافعین ولایت معصومین علیهم السلام را قرآن کریم «مصلین» اطلاق می‌کند، «ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِيِّينَ (۱۰) (چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: ما از مصلین نبودیم). از امام صادق علیه السلام منقول است: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِيِّينَ، یعنی از پیروان سابقین نبودیم. (۱۱) پس مصلی همانطور که در کتب فقهیه آمده (۱۲): کسی است که پیرو و دنبال برنده‌ی اول مسابقه (یعنی سابق) حرکت می‌کند، مصداق این مطلب، اتباع صاحبان ولایت و پیروان ائمه‌ی هدایت علیهم السلام می‌باشند که در مسابقه خیرات (۱۳) (یعنی ولایت) برنده و سرفرازند. مطلب مهمی که از آیه شریفه استفاده می‌شود اینست که، متابعت نکردن از ولایت و به قول قرآن کریم مُصَلِّي

نبودن، باعث بدبختی انسان می‌گردد. پس اولین فریضه بعد از ایمان، اینست که شخص مؤمن، در اقامه‌ی ولایت رسول‌الله و عترت آن حضرت، و پیروی از آن بزرگواران سعی و تلاش نماید.

مدد گرفتن از رسالت و امامت

مدد گرفتن از دو دستگیره‌ی آسمانی، رسالت و امامت که در آیه‌ی شریفه: «وَ أَشْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (۱۴) آمده است، برای سعادت بشر کفایت می‌کند. اعتقاد به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بعد از اعتقاد به وجود الله تبارک و تعالی، به عنوان آورنده‌ی قانون الهی و سازنده‌ی دژ استوار توحید (حصن) و اعتقاد به ولایت ائمه علیهم السلام (صلوة) به عنوان کھوف و نگهبانان این دژ، سه اصل از اصول اسلام را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که اصل ولایت بر مستکبرین و مخالفان مبانی اسلام سخت و سنگین است، زیرا بقاء مبانی اسلام و معارف قرآن با ولایت و صاحب اختیاری ائمه و رهبری و ارشادات آن حضرات بوده است. همین امر باعث شده که دشمنان اسلام و بیشتر یهود، با علت مبقیه‌ی دین یعنی با ولایت ائمه‌ی معصومین علیهم السلام به مبارزه برخیزند و با دور نمودن مسلمین از قطب دین، به اختلافات دامن بزنند.

عبادت بی دستور

اگر اقامه‌ی ولایت که صلوة خاشعین است در روح و جان ما محقق نشود و تنها مصلی و برگزار کنندگان ارکان مخصوصه باشیم، عبادتی بی دستور و از خود انجام داده فردا به سؤال: «ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرٍ» (... ۱۵) مسؤول خواهیم بود.

شناخت نمایندگان خداوند

پس از بحث مبدأ شناسی، ما به بحث منهج شناسی می‌رسیم و این بحث، ما را به اصل پیامبرشناسی و امامشناسی سوق می‌دهد. کسب شناخت نمایندگان خداوند متعال، نه فقط به عنوان مدرسین منهج عبادت، بلکه به عنوان عاملین به بندگی خالصانه، و مشوقین عملی به عبودیت، لازم و ضروری است. ادله قرآنی و روایی می‌گوید: صلوة به معنی ارکان مخصوصه و دیگر اعمال عبادی به صلوة باطنی یعنی همان قبول ولایت اولیاء الله و به معرفت ایشان محتاج است. ما با همین ادله، مدعی اعتقادی بالاتر از این نیز هستیم، و آن اینست که موحد بودن انسان بستگی به قبول ولایت اولیاء الله دارد.

فَهُوَ لَكُمْ

اهل مطالعه در علوم قرآنی و روشن ضمیران دانش ربانی می‌دانند که آیه‌ی شریفه: «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (۱۶) (تنها پاداش من این است که کسانی بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.) به وسیله‌ی عمل به آیه‌ی شریفه: «قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَىٰ» (۱۷) تفسیر و تبیین می‌گردد. مزد رسالت که در آیه‌ی اول، اتخاذ راه ربّ بیان شده است. همان مودت صاحبان ولایت (عترت طاهرین علیهم السلام) است که در آیه‌ی دوم مطرح گردیده است. به تعبیر دیگر، موحد بودن و طی نمودن طریق ربّ، به رهبری و ارشادات عترت علیهم السلام نیازمند است. قرآن کریم با آیه‌ی شریفه: «فَهُوَ لَكُمْ» (۱۸) مبشر سعادت‌مندی کسانی است که راه را از راهنما می‌جویند و در طریق توحید، با ارشاد امام معصوم حرکت می‌کنند.

مودت اصل دین باشد برادر صفای دل همین باشد برادر سخن از آیهی «أَنْ يَتَّخِذَ» گو ز تأویل مودت بهره‌ای جو مودت اتخاذ راه ایمان شده فرض الهی بر مسلمان به قرآن خدا «فَهُوَ لَكُمْ» خوان همه سود مودت بهر خود دان بیا رشکی ببر بر جهد عمار که نوشد شهد ایمان در بر یار بیا درسی بخوان از صبر آستر مودت را ببین در جان قنبر مودت را ببین در روز عاشور کلاس درس دین تا نفخه ی صور

استواری در راه ولایت

استقامت در راه ولایت و استواری در طریق امامت، همان پایداری در راه توحید و خداپرستی است. یعنی کسب معرفت ولی و حجت الهی و استقامت در راه عمل به دستورات او، انسان را به معرفت الله (تبارک و تعالی) می‌رساند. آیهی شریفه قرآن: «وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (۱۹) که سخن از پایداری در راه ولایت و طریقه‌ی امامت دارد، نتیجه‌اش همان است که فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (۲۰) طریقه‌ی ولایت و راه امامت است که سلمان و اباذر و بلال می‌سازد. وقتی انسان را از آب خوش گوار محبت و چشمه‌ی حیات بخش مودت می‌نوشانند، گویای «ربنا الله» می‌شود و مُلَهُمْ به الهام ملائکه الله، بدون حزن و ترسی طریقی بهشت را طی می‌کند.

ابواب معارف الهیه

با بیان گذشته به ویژگی باب الله بودن صاحبان ولایت اشاره نمودیم. و این ویژگی، ویژگی‌هایی دارد که یکی از آنها این است که انحصاری است. باب معرفت الله، فقط عترت طاهرین (صلوات الله علیهم أجمعین) هستند. جامعه بشری اگر خواهان سعادت است باید از این راه وارد و در این دانشگاه به تحصیل معارف الهیه بپردازد. ادله‌ی قرآنی و روایی این ویژگی فراوان است ولی ما به قدر ظرفیت و کشش غالب، به بیان مطالب مأموریم. قرآن کریم می‌فرماید: فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى (۲۱)

کَلِمَةُ التَّقْوَى چیست؟

در قرآن ما به کلمه و کلمات بر می‌خوریم. عیسی مسیح علیه السلام را قرآن (۲۲) کلمه می‌خواند و آل پیامبر را کلمات. (۲۳) گاهی از امام و حجت الهی به «کَلِمَةً بَاقِيَةً» (۲۴) یاد می‌کند و گاه به «کَلِمَةً تَقْوَى». شیفتگان معارف باید کلمه به کلمه در این کلمات دقت نموده و عترت را از قرآن کریم بشناسند. همه می‌دانند که هر نوشته و کتابی از اسم و فعل و حرف تشکیل شده است، اسم و فعل به خودی خود دارای معنا و مفهوم است ولی حرف به تنهایی مفهومی ندارد. پس اسم و فعل دو کلمه‌ی کامل و تام هستند و حرف، کلمه‌ی ناقصه و غیر کامل محسوب می‌شود. برای همین باید حرف با اسم و فعل مصاحبت نموده و از کمال این دو بهره‌مند گردد. همین مطلب را در مورد کتاب تکوین تصور کنید. موجودات جهان هستی هر کدام یک کلمه از کلمات این کتاب می‌باشند و هر کدام یا کامل و یا غیر کامل و ناقصند. انسان که یک کلمه از این کتاب به حساب می‌آید نیز به کامل و غیر کامل تقسیم می‌شود. بدیهی است که انسان غیر کامل محتاج انسان کامل است و باید برای رسیدن به کمال دست به دامن افراد کامل گردد. ارسال رسل و مأموریت دادن به اوصیاء، برای پاسخ به این نیاز است. وسیله‌ی کمال بشریت، اوامر و نسخه‌های معصومین است، ابْتِغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ در قرآن کریم گویای همین مسئله است. (۲۵) پس گفتار مخالف با دلیل عقل و نقل مخالف بوده و انسان ناقص را از تمسک به افراد کامل «معصوم» باز می‌دارد. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «بِمَوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ... یعنی به قبول ولایت شما اهل بیت کلمه‌ی ناقصه (انسان غیر کامل) کامل می‌گردد. (۲۶) برای همین خداوند متعال مؤمنین را ملزم به قبول ولایت

كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ اَعْلَامُ الْهُدَى (یعنی اهل بیت) نموده است. (۲۷) وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ اَعْلَامُ الْهُدَى (... ۲۸) البته این الزام به ولایت و این تعهد در برابر امامت، سابقه‌اش به روز جمعه «عالم ذر» بر می‌گردد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» (... ۲۹) امروز کلمه‌ی تقوی حضرت بقیه‌الله الاعظم (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است و معتقدین به آن جناب، متقینند که قرآن کریم هدایت را منحصر به ایشان دانسته است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (۳۰)

مهدویت و بقاء توحید

بقاء دین مبین و توحید ابراهیمی منحصرراً به ولایت و مهدویت بستگی دارد. قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» (۳۱) یکتاپرستی دوامش منوط به رهبری کلمه باقیه است و کلمه باقیه امامت دائمی اولاد ابراهیم (عترت پیامبر اعظم صلوات‌الله‌علیهم اجمعین) تا روز قیامت است. چرا امام منتظر حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) را بقیه‌الله می‌گویند: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۳۲) با امامت این ذخیره‌ی الهی، دین مبین و معارف هداة معصومین باقی و برقرار می‌گردد و نور وجود آن محبوب، همیشه باقی و جاویدان است، مگر نفرمود: «كُلُّ مَرِيْنٍ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ» (... ۳۳) و مگر در دعای کمیل نمی‌خوانیم: وَ بَوِّجْهَكَ الْبَاقِي ...

نتیجه

پس انسان غیر کامل راهی جز حرف شنوی و شاگردی در مکتب انسان کامل را ندارد. فانی برای رسیدن به حیات طیبه و بقاء معنوی باید به باقی متوسل گردد. و این انحصار، در آیات قرآن فراوان برای بشر تابلو شده است. شما ببینید آیه‌ی تطهیر، (۳۴) با اینا آمده است، چرا؟ خدای متعال مس نمودن قرآن را فقط برای «مُطَهَّرُونَ امضاء کرده است. (۳۵) یا این دو مقدمه، قرآن را کتاب هدایت متقین قرار داده است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (۳۶) مقدمه‌ی اول: معصومین، اهل بیت علیهم السلام هستند. مقدمه‌ی دوم: ظاهر و باطن قرآن پیش معصومین است. پس قرآن با بیان عترت، هدایت برای متقین باید باشد. قرآنی که حقائق و اسرار آن، بواطن و تأویلات آن فقط در حضور پر نور «من عنده علم الكتاب» (۳۷)، حلال مشکلات و سفینه‌ی النجاة کشف و حل می‌شود. آیا هدایتش انحصاری نیست؟ خواهش کاتب این نوشته، از خوانندگان آگاه این است که با صبوری به مطالب گذشته و آینده، خاصه این سطور توجه نموده، ببینند آیا نباید «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا» (... ۳۸) را در هر لحظه از عمرمان بازگو نموده، و شاکر نعمت ولایت و امامت باشیم.

گروه رستگاران

فلاح و رستگاری که بزرگترین مطلوب بشریت می‌باشد در کدامین مکتب به دست می‌آید؟ آیا انسانها چه مقدار در این مسئله تحقیق و بررسی داشته‌اند؟ طرفداران قرآن می‌دانند که فلاح و رستگاری فقط در مکتب عترت علیهم السلام یافت می‌شود. براساس براهین عقلی و نقلی (قرآنی و روایی) ما یک صراط مستقیم بیشتر نداریم، و آن طریق و راه قرآن با تفسیر و تبیین عترت است.

کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي

ما به دلیل عقل، حدیث کتاب‌الله و سنتی را مردود می‌دانیم، چرا که بعد از نابود شدن حدیث، که مبلّغ سنت است یعنی بعد از به آتش کشیدن سخنان رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و آله و سلم رجوع به سنت صحیحه، سالبه بانتفاء موضوع شده است و این در حالی است که اساساً حدیث مذکور، ساختگی و سنداً بی‌اعتبار است. پس برای تبیین قرآن و برای رسیدن به سنت صحیحه‌ی نبوی فقط

باید به عترت طاهرین علیهم السلام رجوع کنیم. (۳۹) اگر کسی در موضوع حکومت عترت علیهم السلام و رهبری آن حضرات به تغییر و تبدیل روی آورده، با بافتن مطالب و تعریف حقایق مردم را به غیر (قرآن و عترت) دعوت نماید، برخلاف این انحصار الهی و نسخه‌ی درمان آسمانی قدم برداشته به فلاح و رستگاری بشریت زیان و لطمه وارد نموده است. مکتبی که نه افراط دارد و نه تفریط، امت میانه و به قول قرآن «أُمَّةٌ وَسَطٌ»، مکتب اهل بیت علیهم السلام است. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (... ۴۰) امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نحن الامه الوسطی» (... ۴۱) در روایتی آمده است که پیامبر به علی علیه السلام فرمودند: «أَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْكَعْبَةِ» (۴۲) یعنی تو نقش کعبه را داری، کعبه از احترام الهی برخوردار است، کعبه مورد توجه موحدین است، توجه به کعبه عبادت است و خلاصه، کعبه محور طواف مؤمنین است، و اینها همه با برتریهای دیگر، ویژه‌ی امام و حجت الهی است. مثلاً شب قدر، ملائکه بر وجود امام طواف می‌کنند. به هر حال این توصیفهای قرآنی و روایی که از جانب مکلف (خدا و رسول) بیان شده است، بی‌جا و حتی کم‌فائده و یک مدح صرف نیست. مگر «یس وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ». را نخوانده‌ایم؟ مگر آیات قرآن بی حکمت و بدون هدف است؟! قرآن حکیم می‌فرماید: «وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۴۳) توجه به امام زمان و حجت دوران در هر عصر، یک وظیفه‌ی بزرگ و بزرگترین وظیفه است. برای همین حاجی باید معرفت حجت الهی را کسب نموده با بصیرت، امیرالحاج را ببیند و از او طلب هدایت و رستگاری کند. درست است که در نماز می‌خوانیم: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۴۴) اما فیوضات الهیه از جمله هدایت از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما می‌رسد. حاجی به دستور شرع مطهر به دور کعبه طواف می‌کند ولی باید بداند کعبه، نماد عظمت، قداست، و محوریت امام و حجت خداوند متعال است. چگونه محوریت قول پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مورد اتفاق است و همگان از سنت ایشان سخن می‌گویند، همین رتبه در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۴۵) برای عترت علیهم السلام کاملاً آشکار و معلوم است. کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست پس اولاً مکتب عدالت و میانه‌روی، مکتب حجج الهیه است و ثانیاً فلاح و رستگاری فقط در این مکتب به بشریت ارائه می‌گردد.

صلوه ذریه

در گذشته گفتیم صلوه باطنی توجه به ولایت و صاحب اختیاری عترت علیهم السلام و کسب معرفت ایشان است. جالب است بدانیم که حضرت ابراهیم (معلم و مربی توحید) در مقام دعا و عرض حال، اسکان ذریه خود را در مکه و نزد بیت، به منظور اقامه‌ی صلوه معرفی می‌کند. «رَبَّنَا إِنِّي أَسِيَّكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (۴۶) آیا توجه مردم باید به بیت باشد و یا به ذریه‌ی ابراهیم؟ کسی در اهمیت و عظمت بیت‌الله الحرام شک و تردید ندارد، ولی باید بدانیم، عظمت خانه از این است که نماد محوریت امیرالحاج الهی (از ذریه ابراهیم) است. خوب، توجه مردم دنیا به ذریه‌ی ابراهیم (عترت طاهرین علیهم السلام) چه فایده و ثمری دارد؟ اینجاست که بحث زمینه‌سازی ظهور و اقامه‌ی صلوه ولایت پیش می‌آید. تبلیغ ولایت و از خوبیهای امامت گفتن، مردم دنیا را به فضائل آل ابراهیم (عترت طاهرین) آشنا ساختن و از شیرینی ظهور نور و بارش ظهور، سخن به میان آوردن، قلوب مردم را به بزرگی آن حضرات، معطوف می‌دارد و مقدمات ظهور (اقامه صلوه) کنار بیت الله الحرام فراهم می‌گردد. پس با این بیان، نیز به انحصاری بودن پرچم داران عصر فلاح و خوشبختی (عصر ظهور) رسیدیم و دانستیم که اقامه‌ی صلوه ولایت در کنار کعبه، به وسیله‌ی ذریه‌ی ابراهیم (اولاد اسماعیل یعنی عترت طاهرین علیهم السلام) انجام می‌گردد. آیه‌ی شریفه را دوباره دقت کنید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسِيَّكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (۴۷) پس اگر کسی در زمان غیبت به ولایت آل ابراهیم یعنی عترت طاهرین علیهم السلام بی توجه باشد، و برای مقدمات ظهور، به خدمات فرهنگی (قرآنی و ولایی) اشتغال نداشته باشد، فردا به سؤال «ما

سَلَكَكُمْ فِي سَيِّقَرٍ» باید پاسخ گوید. بی توجهی به ولایت و امامت شارحین دین (عترت طاهریین علیهم السلام)، بی توجهی به همهی خیرات و از جمله حج نیز به حساب می آید.

قطب بشریت

با آیه شریفه «فَأَجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» به محوریت آل ابراهیم (پیامبر اعظم و عترت طاهریین علیهم السلام) برای کمال بشریت پی می بریم. حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) ذریه خود را به مکه برد و کعبه را به عنوان سنگ نشان ذریه، تجدید بنا کرد تا محوریت ظاهری و باطنی قطب کمال بشر را الی الابد تعیین فرماید. بنابراین اگر کسی در طریق توحید، قطب یعنی امام نداشته باشد و (به غیر امام) (۴۸) این راه را بپیماید، مثل کسی است که پشت به کعبه نماید و بر خلاف جهت قبله عبادت کند و نماز بخواند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: نَحْنُ آلُ إِبْرَاهِيمَ أَفْتَرَعَبُونَ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي. ما خاندان ابراهیم هستیم، آیا از ملت و روش ابراهیم دوری می کنید، در حالی که خدای متعال (از بیان ابراهیم) می گوید: هر کس از من پیروی کند او از من است؟ (۴۹) همانطور که سابقاً بیان گردید، باب امامت ابراهیم بسته نشده و از ذریه او همواره پیشوایان معصومی در جایگاه امامت، به راهنمایی و ارشاد مردم پرداخته اند. وظیفه مردم موخید این می باشد که با «صادقین» (یعنی عترت علیهم السلام) معیت داشته و با همراهی امام معصوم به حرکت توحیدی و سیر الی الله ادامه دهند وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۵۰)

دستور ذکر

یکی از دستورات الهی دستور ذکر است، آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام در مورد ذکر فراوان است. قرآن در توصیف اولی الالباب می فرماید: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ (۵۱) در ضمن بعضی از آیات، که مربوط به ذکر است، ما به آیاتی برخورد می کنیم که سخن از ذکر آلاء و نعم به میان آورده، به این نوع ذکر نیز فرمان می دهد. قرآن کریم می فرماید: فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ (۵۲) اولاً معلوم است که نعم و آلاء الهی فراوان و بی شمار است و ما یاد هر کدام از نعمت ها باشیم و توجه به بزرگی و اهمیت آن داشته باشیم باز گشت آن توجه به ولّی نعمت یعنی خدای کریم و مهربان می باشد. ثانیاً باید بدانیم خداوند متعال برای نعمت رسالت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم بر مؤمنین منت نهاده است؛ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا... (۵۳) آیا می شود نعمت وجود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با دیگر نعمتها مقایسه کرد؟ مثلاً آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نعمت چشم و گوش انسان مقایسه می شود؟ هرگز!!! فرضاً اگر خواستیم تشبیهی برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در عالم اجسام داشته باشیم، فقط می توانیم ایشان را تشبیه به قلب کنیم. ایشان، هم قلب عالم امکان و محور وجودند و هم قلب بدنه دین و جهان تشریع. حالا آیا دستور ذکر آلاء و نعم که برای موخدان صادر شده است، اول، شامل کدام نعمت می شود؟ آیا ذکر و یاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم مصداق بارز و روشن عمل به دستور، ذکر آلاء نمی باشد؟ این نعمت بزرگ که با ولایت و صاحب اختیارش به همه، حتی انبیاء (۵۴) قبل از خود نور داده، مشکوتی که مصباح (۵۵) را دارا می باشد آیا یادش «مأمور به» و مورد فرمان الهی نبوده است؟ اینجاست که به بی مهربی بعضی از مدعیان توحید باید اشاره کنیم که با بی توجهی به بزرگی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دین را تحقیر کرده، آب به آسیاب دشمنان اسلام، به ویژه یهود ریخته اند.

ذکر علی علیه السلام

جای بررسی است که ذکر علی علیه السلام که طبق آیه‌ی شریفه‌ی مباحله (۵۶)، نفس رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حساب می‌آید چه جایگاه و رتبه‌ای دارد. منتی که خدای متعال، برای رسالت رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بر مؤمنین نهاده، آیا برای رهبری صاحبان ولایت نهاده است؟ پس آیه شریفه‌ی «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَوْلِيَاءَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۵۷) چه می‌فرماید؟ هم نعمت رسالت منت دارد و هم نعمت ولایت، و در گذشته گفتیم که ولایت و امامت، حافظ و نگهدار رسالت و شارح و مبیین معارف آن است. حال، جزء اخیر از علت تامه اگر در نظر گرفته نشود چه می‌شود؟ پاسخ در آیه‌ی شریفه به خوبی بیان شده است: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ» (۵۸) پس رسیدیم به اینکه ذکر الله در ذکر آلاء و نعم نهفته است، و بالاترین ذکر آلاء و نعم، ذکر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، و ذکر رسول وقتی مقدور است که او و بزرگی پیامش در آئینه علی علیه السلام دیده شود. یعنی در آئینه وجود صاحب ولایت، عظمت معارف صاحب رسالت متجلی است، سنت را به عترت باید شناخت، و با آدرس زوج بتول (علیهما سلام الله) باید به معرفت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسید. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آئینه نهج البلاغه، مُدْرَسِي بزرگ و مَرَبِّي عالیقدری است که علی علیه السلام خود را شاگرد این مدرس و تربیت شده این دانشگاه بزرگ می‌داند. پس ذکر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نمی‌تواند جدای از ذکر علی علیه السلام باشد، همانطور که در دستور ذکر صلوات، پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ. (۵۹) شافعی این چنین می‌سراید: یا آل بیت رسول الله حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ كِفَاكُم مِّنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ أَنْكُمْ مَن لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صِيْلَةَ لَهُ «ای اهل بیت رسول خدا! محبت شما فریضه‌ای است که از جانب خدا در قرآن آمده است. در عظمت و منزلت شما همین بس که، هر کس بر شما درود نفرستد نمازش باطل است.» (اشاره به صلوات واجب در تشهد نماز است). (۶۰) سابقاً اشاره‌ای به این معنا شد که توجه به صاحب ولایت و قبول رهبری ایشان، صلوة خاشعین است. مفهوم شعر شافعی که از رهبران غیر شیعی می‌باشد این است که؛ با سلام و صلوات بر آل محمد (صلوات الله علیهم أجمعین)، صلوتت را صلوة خاشعین کنی. صلوة بدون ذکر صلوات بر آل، صلوة مستکبرین است. البته نمی‌دانیم شافعی به بزرگی کلام خودش واقف بوده، یا فقط کلام حقی برای حقانیت ذریه ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) یعنی عترت طاهرین علیهم السلام به زبان او جاری شده است.

وقوف در آیات و روایات

اینجا باید وقوف نمایی، سرزمین ذکرالله، یاد اسماء الهی، معرفت امیر حاج. اینجا عرفات حج ابراهیمی است، (فَأَجْعَلُ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ نَهْوَى إِلَيْهِمْ) وقوف در عرفات چگونه واجب است؟ وقوف به این فرازها، توجه به آیات و روایات معتبره اوجب است، حتی وقوف و تفکر در شعر شافعی و امثال او که حقیقت را در لابلای گفتار خود بیان داشته‌اند. قف، مگر وَ قَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْؤُلُونَ (۶۱) را نشنیده‌ای؟ حاجی احرام دگر بند، چرا علی علیه السلام در خانه‌ی کعبه به دنیا آمد؟ قف، یعنی تفکر کن نه ایست کن. آنها که در قبول ولایت ایست کردند، فردا ایست طولانی و خطرناکی پیش روی دارند. چرا فرمود: «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (۶۲) وجه ربّ باقی می‌ماند؟ وجه ربّ ذوالجلال و الاکرام است؟ وجه ربّ کیست؟ یا چیست؟ مگر خداوند صورت جسمانی دارد؟ روی این مطلب باید اندیشه کرد، وقوف نمود تا به مشعر و منای ولایت رسید. وقوف کنید در عرفات ذکرالله که بدون ذکر نبی و وصی بهره و لذتی از عرفات مکه و حج نمی‌برید.

ذکر مولا

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ (۶۳) یعنی: یاد علی علیه السلام عبادت است، بیائید روی این حدیث

شریف، کمی وقوف داشته باشیم. یاد همه‌ی عترت علیهم السلام البته این چنین است، ولی یاد علی علیه السلام از برتری بیشتر و فضل بالاتری برخوردار است. چرا یاد علی علیه السلام عبادۀ الله است؟ راستی چرا؟ خوب، مگر او آئینه محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست؟ مگر او معلم عبادت و مذکر عبادالله نمی‌باشد؟ مگر او پدر عبادت نیست، مثل فرزندش ابا عبدالله الحسین علیه السلام، ابا عبدالله «پدر بندگان» مگر او پدر آدم نیست «ابو تراب» (۶۴) مگر نمی‌دانیم «أَنَا وَهُوَ أَبُو هَذِهِ الْأُمَّةِ» را (۶۵) پس ذکر این دو پدر با هم باید منظور نظر امت قرار گیرد. چرا حلال مشکلات را فراموش کنیم، به کدامین دلیل امضاء کننده‌ی مقدرات را از یاد ببریم؟ آیا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (۶۶) را نباید بفهمیم و بشناسیم؟ ای برادر! قدر قرآن را بدان آیه‌ی «يُفْرَقُ» ز جان و دل بخوان سوره‌ی قدر آمده تدریس دین جان فدای رهبر قدر آفرین جان فدای آنکه فرمان می‌دهد حکم او بر عاشقان جان می‌دهد جان فدای غایب حاضر جواب منتقم بر کینه‌های بی حساب جان فدای غائب خانه به دوش ناظر نامردمان دین فروش جان فدای حاکم غیب و حضور عارفان راه را ماء طهور جان فدای سرور روح و ملک حبّ او بر انس و جان باشد محک لیلۀ القدر است قدر جاه او آفرین بر حشمت و درگاه او لیلۀ القدر آمده آئینه‌اش علم مصبوب است نقش سینه‌اش عزّت و ذلّت بود تقدیر او مالک مُلک و ملک با اذن هو صاحب قدر و شرافت اوستی معدن جود و کرامت اوستی طواف ملائکه کجاست، دور امیر قدر، پادشاه مقدرات، ابوتراب، می‌دانی ابوتراب امروز کیست؟ به عشق روی ماه تو، دیده پر آب می‌شود به یاد غربت شها! دلم کباب می‌شود صاحب خانه‌ام تویی، مالک جان من بیا به دور از ولایت، جهان سراب می‌شود مبدأ هست، هست تو، پدر برای ماسوی! علی به دید مصطفی ابوتراب می‌شود ابوتراب این زمان وجود اطهرت بود مس دلم به دست تو طلای ناب می‌شود مبدأ عطر معرفت! مرا به صحبتت بخوان مُصاحب گل ولا، به حق گلاب می‌شود چه شعله‌ای است حب تو، برد دل حریق را محبّ خود ببین شها چگونه آب می‌شود نماز بی ولای تو عبادتی است بی وضو کرائم کلام حق چه خوش جواب می‌شود تو ظاهری ظهور حق مگر برای عاصیان نفس و هوای دون بسی حکم حجاب می‌شود هر آن که مُرد بی ولا، به دور از معارف به روز حشر، بی امان، غرق عتاب می‌شود در این تهاجم عدو نظر نما به ناصران عدوی تو به نزد ما یقین مُجاب می‌شود مقصد و کفّ امتی، نصرت حق بیا بیا «کوچک» تو به نصر دین جزء کلاب می‌شود در عرفات این وادی (امام شناسی) اگر کمی فکر کنی، می‌بینی در آیات ولایت، تصریح به اسم نیست اما توصیف که ابلغ است، آن هم دهها و صدها توصیف آسمانی، مراد را به مرید نشان می‌دهد. روایات، با زمان تقیه ساخته است، فقط می‌گوید: «ذکر علی عبادۀ» خوب، چرا از ذکر علی علیه السلام دوری کنیم و مروج آن نباشیم؟ مگر ما برای عبادت خلق نشده‌ایم؟ (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) و مگر ذکر علی علیه السلام عبادت نیست؟ می‌توانید بگوئید، شهادت به ولایت عبادت نمی‌باشد؟ اگر طالب حیات طیبه هستیم تکلیف ما این است، لحظه‌های زندگی را با یاد علی علیه السلام نورانی کنیم، به ویژه لحظات زیبای مقدمات نماز را. ما از آقای دکتر تیجانی و دیگر مستبصرین انتظار بیشتری داریم که در درک مفاهیم بلند فصول ولایت و رسیدن به فهم مراتب و شئون امامت، تلاش و سعی فراوان داشته باشند تا به احادیثی مثل مکتوب ساق عرش «علی ولی الله» است بی توجهی نکنند ایشان گفته است اینکه بر ساق عرش نوشته شده «علی ولی الله» این بحث دیگری است که نه برای ما فائده دارد و نه ما را به هدف واقعی می‌رساند. (۶۷) البته ایشان مرد مجاهد و خدمتگزاری است ولی بعضی از مطالبش قابل تأمل می‌باشد. ما به ایشان پاسخ می‌دهیم که فهمیدن عظمت ولایت و اینکه مسئله یک مسئله سماوی و الهی است، وظیفه‌ی همه‌ی موخّدان است و فائده‌اش فرار از مرگ جاهلیت است، (۶۸) پس مکتوب عرش، که علی ولی الله است بر معرفت موخّد می‌افزاید موخّد از عرش درس گرفته بر قلبش می‌نویسد «علی ولی الله» و این ذکر مقدس از قلب به زبان جاری می‌گردد و حیات طیبه و زندگی همراه با بهترین آرامش‌ها را به او هدیه می‌نماید. آقای تیجانی می‌داند که ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصِيرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۶۹) از ابی هریره و انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: شب معراج دیدم به ساق عرش نوشته شده: لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيْدَتْهُ بَعْلِي (یعنی به وسیله‌ی علی پیامبر را تأیید نمودم) (۷۰) در شواهد التنزیل حاکم

حسکانی ذیل آیهی شریفه‌ی «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (۷۱) کلمه‌ی «ذِکْرِي» را به ولایت علی علیه السلام معنا نموده و از جابر بن عبدالله نقل می‌کند، که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا چرا دشمنان اهل بیت علیهم السلام یهودی وارد محشر می‌شوند؟ شاید به این دلیل باشد که خط دشمنی با اهل بیت علیهم السلام اول از یهود ترسیم و تصویب شده است. و امروزه می‌بینیم خطوط انحرافی و مقابل قرآن و عترت از یهود درس گرفته و تغذیه می‌شوند. خلاصه تبلیغات یهود علیه اهل بیت بر فکر بعضی اثر می‌گذارد و لذا یهودی وارد محشر می‌گردند. پس «ذِکْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ» باید به ما بفهماند که نباید از کاروان ذاکرین و خاشعین در برابر ولایت دور و جدا باشیم. ذکر علی علیه السلام جهادی است در برابر آنها که قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللهُ» (۷۲) از امامت و ولایت کراهت دارند با اینکه این مقام بزرگ از خداوند متعال به اهل بیت علیهم السلام رسیده است. آیا جهاد در اسلام واجب نیست؟ آیا بی توجهی به تلاش دشمن در خاموش کردن «نُورِ اللهِ» بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و احکام آن محسوب نمی‌شود؟ انتظار از متفکران و اندیشمندان شیعه است که به تبیین آیات ولایت پرداخته، روایات فضائل را تشریح نموده، مردم به ویژه مستبصرین را به بزرگی‌های اهل بیت از پیش آشنا سازند. انتظار از حوزه‌های علمیه شیعه است که قبل از فقه (احکام شرعیه فرعیه) و اصول فقه، به دانشجویان علوم اسلامی، آیات ولایت و روایات معتبره شئون امامت را تدریس نمایند و عقائد طلاب و سربازان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قوی و استوار سازند. انتظار از جامعه‌ی وعاظ و سخنوران مذهبی است که قبل از پرداختن به هر موضوعی به علت مبقیه دین بپردازند و در بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام با بیان جامع و مستدل تلاش و جدیت نمایند.

سؤال شب معراج

آیا می‌دانید، انبیاء ذاکر علی علیه السلام بوده‌اند، در آیهی شریفه: «وَسَيُئَلُّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ» (... ۷۳) مفسرین گفته‌اند: شب معراج، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از همه‌ی انبیاء پرسید: شما بر چه محوری مبعوث شدید؟ انبیاء پاسخ دادند: عَلِيٌّ وَوَلَايَتُهُ عَلِيٌّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام (۷۴) پس ذکر علی علیه السلام عبادت است، عبادتی که شب معراج، انبیاء بدان پرداخته‌اند. پیروان انبیاء و موخّدان عالم نیز باید به این دستگیره‌ی نجات متمسک باشند. سوالی شد شب معراج ای دوست! اگر دانی تو آن را به چه نیکوست محمد انبیاء را گشت سائل به چه محور همه باشید مایل تمامی از محمد نام بردند به او قلب مطهر را سپردند ز بعد او همه گفتند مولا علی باشد، ز حق حبش تمنا علی مرشد برای انبیاء بود علی مسند نشین انما بود امامت بهر دین اکمال باشد تدین بی علی اضلال باشد علی مشکل گشای کشور دل از او بحر معارف گشت حاصل

ایمان به ایمان

چرا ذکر علی علیه السلام عبادت نباشد که او اسوه‌ی ایمان و اصل ایمان است. در آیهی شریفه‌ی «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ» (۷۵) امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ يَكْفُرُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ» (۷۶) پس ذکر علی علیه السلام ذکر ایمان است، ذکر ایمان به خداوند متعال، ذکر ایمان به پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

شهر ولایت مأمّن اهل ایمان

یکی از مشکلات فردی و اجتماعی، مشکل تأمین امنیت است. به نظر شما قرآن چه پیشنهاد و توصیه‌ای برای تأمین امنیت فرد و اجتماع دارد؟ برای تأمین امنیت، باید ایمان مردم را نسبت به صاحبان ولایت بالا برد، این توصیه‌ی بزرگ را می‌توان از آیات؛ ۱.

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا (۷۷) ۲. رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا (۷۸) ۳. مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (۷۹) در قرآن کریم دریافت نمود. تأویل و باطن دعای حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) توجه الهی به ذریه و مامن قرار دادن ولایت ایشان برای موخیدن بوده است. البته این دعای بزرگ از آن رجل الهی به اجابت رسیده و اهل ولایت و طرفداران مودت در امنیت و آرامش الهی به سر می‌برند. مگر نخوانده‌ایم: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۸۰) را؟ مگر ذکرالله در ذکر علی علیه السلام یافت نمی‌شود؟ وقتی ذکر علی علیه السلام بر اساس اعتقاد به ولایت آن حضرت جزء زندگی انسانها شد، سیر آنها به سمت معرفت الله و ذکر الله سرعت پیدا می‌کند و در نتیجه اطمینان و آرامش با زندگی آنها قرین می‌گردد. همین مطلب را شما می‌توانید از حدیث سلسله الذهب و عبارت (بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا) که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام القاء فرمود (۸۱) دریافت دارید. داخل شدن در حصن توحید و دژ استوار لا إله إلا الله، عامل امنیت و آرامش خواهد بود. و می‌بینیم این امنیت و آرامش در حدیث امام رضا علیه السلام مشروط به قبول ولایت می‌باشد.

نورالله کیست؟

در قرآن کریم از ولایت کلمات الله یعنی (اهل بیت علیهم السلام) به نور تعبیر شده است. می‌دانیم که نور، خود، ظاهر و ظاهرکننده‌ی غیر است، در مورد پیشوایان الهی اعتقاد ما بر این است که این بزرگواران «نورالله» اند، مکتب نرفته و استاد ندیده به عنایات الهی استاد و مربی بشریت شده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» (۸۲) این چراغ نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور گردد، مصداق آیه‌ی شریفه، چراغ نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که از خداوند متعال سرچشمه گرفته و برای افروختنش به کسی احتیاج نبوده و نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ» (۸۳) یعنی مردم رستگار از نوری که با پیامبر اعظم نازل شده است پیروی می‌کنند. قرآن در سوره تغابن دستور می‌دهد که به خداوند و رسولش و نوری که نازل شده است ایمان بیاورید، و نیز در سوره‌ی رعد ۱۶ و تحریم ۸ و توبه ۳۲ و صف ۸ و بعضی سوره‌های دیگر در مورد نور الله که همان صاحبان ولایت هستند سخن گفته، خصائص نور و مسؤولیت جامعه‌ی بشری در استفاده از آن را بیان داشته است. یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی ولایی و طرفداران ولایت علوی، نورانی بودن آنان است. و همین امر، باعث می‌شود که جامعه‌ی مذکور امنیت فردی و اجتماعی داشته باشد. می‌دانیم که ناامنی‌ها به ظلمت (نادانی و ناداری) بر می‌گردد و ظلمت از بی توجهی به قادر متعال و نمایندگان او ناشی می‌شود. بشریت اگر طالب سعادت باشد، باید به ولایت عترت علیهم السلام پاسخ مثبت بدهد. مکتب غنی علوی که از نادانی و ناداری به دور است، اگر منظور نظر انسانها قرار بگیرد، جامعه به سوی غنای مادی و معنوی رهسپار شده و امنیت و سعادت را به خوبی می‌یابد.

آب و حیات بخشی آن

یکی از توصیف‌هایی که برای اهل بیت علیهم السلام در قرآن آمده است، تشبیه آن حضرات به آب است. می‌دانیم آب، هم ظهور و پاک‌کننده است و هم حیات بخشی دارد. «و انزلنا من السماء ماءً طهوراً لنحیی به بلدةً میناً» (۸۴) قرآن در سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۳۰ و حج ۵ و ۶۳ و الرحمن ۱۹ در مورد این تشبیه سخن گفته است. حال باید از مسلمین پرسید تا چه اندازه از این آب حیات استفاده کرده و با طهارت نفس و زندگی با معنویت همراه شده‌اند. قرآن، هادی انسانها به سوی مکتب اقوم و صراط مستقیم است؛ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (۸۵) آیا این مکتب اقوم و صراط مستقیم، غیر راه صاحبان ولایت است؟ مکتب ولایت، هم نور دارد و هم آب حیات، هم شارح حلال و حرام قرآن است و هم مبین فرائض و واجبات، حال چرا باید انسانها از این منبع فیض دور باشند؟ مکتبی که از بیان جزئی‌ترین قوانین اخلاق و روش زندگی، تا عمیق‌ترین مسائل بلند معرفتی برای بشر، کوتاهی نکرده، به چه دلیل

به جوامع بشری به خوبی معرفی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است؟ بعضی از مردم به دلیل هوی پرستی در مسیر مخالفت با ولایت قرار گرفته، خسران و شقاوت را برای خود فراهم کرده، و بعضی هم قاصر در فکر و عمل، به استضعاف کشیده شده، گاهی حتی بلندگوی بیگانه گشته‌اند. الان که به تنظیم این سطور مشغولم، میلاد مادر خوبیها، کوثر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در پیش است. فکر می‌کنم مسلمانان چه ندارند، وقتی در حیات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مطالعه می‌کنیم به سرچشمه‌ی خوبیها می‌رسیم. آیا این بانوی مکرمه، مادر مسلمین نمی‌باشد؟ در عظمت این مادر همین بس که در حدیث قدسی (۸۶) آمده: اگر فاطمه نبود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام را خلق نمی‌کردم. در حدیث قدسی ناب و ظهور هست نعت آل احمد در ظهور حق تعالی خلقت ارض و سما کرده بهر نور پاک مصطفی علت غایی وجود نور اوست مظهر دادار، وصفش بس نکوست عالی اعلی امیرالمؤمنین هادی راه و امین مرسلین گر به عالم خلقتش امضاء نشد خلقت نور نخست اجرا نشد فاطمه خیرالنساء باشد ثمر هست در وصفش حدیث معتبر آن خبر شهرت به (لولا) آمده در بیان وصف زهرا آمده گر خدا بر خلقتش قصدی نداشت خلقت احمد به دفتر کی نگاشت خلقت نور علی هم بهر اوست او برای خلق عالم آبروست فاطمه باشد ثمر در این میان وصف او گوید خدا با این بیان سوره کوثر همین را بازگوست در بیان مجد او خوش گفتگوست گر بودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر آن شجر بهر ثمر آمد پدید حق کمال دین خود در آن بدید مظهر مکر الهی اوستی عصمت الله و مطیع هوستی باغ دین با ذکر او پاینده شد شیعه از فریاد او یابنده شد مگر ما می‌توانیم با این کلمات، حق (کلمات الله) را اداء کنیم و بزرگی آنان را شرح نمائیم؟ آیات و روایاتی که در این نوشته می‌خوانید و هر آنچه از بیان خود آن حضرات در توصیف خودشان آمده است بیان و شرح واقعی آن حوصله و ظرفیت فراوان می‌طلبد و توفیق الهی می‌خواهد. تازه باید بگوئیم؛ آب دریا را اگر نتوان کشید ... یک مطلب در نشان دادن بزرگی مکتب ولایت، خوب است گفته شود، و آن این است که این مکتب پدر و مادر دارد!! یعنی طریق آل ابراهیم (عترت طاهرین) طریق و روش با اصالتی است که ریشه در اعماق جانها و فطرت‌ها دارد؛ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (۸۷) بهترین رنگ الهی، برترین عطر آسمانی در این مکتب یافت می‌شود؛ «صِبْغَةَ اللَّهِ و من احسن من الله صبغَةً» (۸۸) پدر این مکتب خاتم الانبیاء محمد (صلی الله علیه و آله) و علی مرتضی (صلوات الله علیه) دو دستگیره نجات بشریت و مادر این مکتب فاطمه زهرا علیها السلام است. در برابر آب بایستید و نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (صلوات الله علیهم اجمعین) را ببرید، ملکولهای آب، خبردار به نظام واحد قیام نموده، به نمایندگان خداوند احترام می‌کنند. (۸۹) عالم جماد، نبات و حیوان در حدّ وجودی خود به علت غائی هستی تعظیم می‌نمایند. اما چرا و چگونه انسان به پدر و مادرش بی اعتنا گشته، عوض احسان به والدین، سنگ جفا به سعادت خود می‌زند؟ آیا انسان نباید فکر کند که خاصیت این سنگ زدننا چه می‌شود؟ آیا انسان به امنیت و سعادت خود لطمه وارد نمی‌کند؟ آیا این انحطاط از کدامین علت برای جامعه مسلمین به وجود آمده است؟ مکتبی که امنیت دارد، سعادت دارد پس به چه علت مریدانش غالباً به شقاوت و بدبختی گرفتارند؟ راستی چرا این چنین شده است؟ ما برای درمان دردهای فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی به جز عمل صالح (بعد از مؤمن شدن) چیزی را سراغ نداریم. و عمل صالح، توجه به صلوة وسطی است که وجود مظهر امیرالمؤمنین است؛ «حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى» (۹۰) بیائید به نماز ولایت، خصوص ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام توجه فراوان داشته باشیم. چرا در گوش طفل شیرخواره باید اذان بگویند، فقرات اذان و اقامه، اقامه نماز ولایت است، وجود طفل با کلمات مقدسه از انحراف دور می‌گردد.

تکبیره الاحرام

نماز ولایت با یک تکبیر آغاز نمی‌گردد، صد و بلکه صدها تکبیر می‌خواهد. تکبیره الاحرام زیارت جامعه، زیارت اقرار به ولایت صد تکبیر است. اول از خداشناسی شروع می‌کنی، خدای اکبر باید و لیش اکبر باشد. اوْ أَكْبَرُ أَنْ يُوصَفَ است، حجت او هم در

خلق أَكْبَرُ أَنْ يُوصَفَ به حساب می‌آید. حالا ملکولهای وجود طفل شیرخواره در برابر اذان و اقامه ولایت قیام نموده تا تربیتی برای فردا و فرادهای او در جامعه باشد. (۹۱) تا وقتی الله اکبرهای زیارت جامعه را می‌شنود، متذکر شهادت به ولایت بشود و فقرات زیارت جامعه را غلو نخواند. بعضی علماء فرموده‌اند که این الله اکبرها غلو زدائی و مبارزه با شرک است. بلی ممکن است این چنین باشد، اما با کمی دقت در می‌یابیم که قبل از کلاس ولایت، کلاس معرفت الله لازم است. وقتی در کلاس معرفت الله، خدای را به بزرگی شناختی، دیگر بزرگی نمایندگان خدای بزرگ را غلو نمی‌خوانی. کسانی که به عظمت حکومت و سلطنت خدای متعال معرفت ندارند، در عظمت صاحبان ولایت توقف می‌کنند. دعای اللهم عرفنی نفسک را فراوان بخوانید، وقتی عرفان الهی به عنایت حق آمد آبشار عرفان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و حجج الهی بر قلب انسان سرازیر می‌گردد. الله اکبر، الله اکبر که با این عظمت، با جُهَال و اهل غفلت نشست و برخاست می‌کردند و از خود تواضع و فروتنی نشان می‌دادند. الله اکبر، الله اکبر که خُلُقشان مثل خُلُقشان عظیم و بزرگ بود و با پائین‌ترین خَلق صبوری می‌نمودند و دلی را نمی‌شکستند. الله اکبر، الله اکبر که حقشان پایمان شد ولی حقوق بشر را حتی در زمان استضعاف برای بشریت ترسیم کردند. الله اکبر، الله اکبر (علی علیه السلام صوت العدالة الانسانیة)، برتر و بالاتر از آنچه در ۱۹۴۵ میلادی به نام حقوق بشر در اروپا تصویب گردید، حقوق بشر را عملاً تدریس نمود، همان را می‌گویم که از گریه یتیم گریه می‌کرد و از ستم در حق یهودیه فریاد بر می‌داشت. تویی که زیارت جامعه می‌خوانی و نماز ولایت را اقامه می‌کنی، تنها نیستی که الله اکبر می‌گویی بلکه تمام موجودات به این عظمت روح و بزرگی اخلاق، الله اکبر می‌گویند. پس الله اکبرها پاسخگوی شبهه افکنان پیرامون ولایت و شئون اهل بیت علیهم السلام است. در اینجا زائر از خداشناسی به امام‌شناسی می‌رسد. البته از معرفت امام و حجت الهی می‌توان به معرفت الله رسید، «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ يَدًا بِكُمْ» شاهد این مطلب است. بزرگی علم، قدرت و جاه و جلال علی علیه السلام معرّف بزرگی خداوند است. اینجا از اثر، پی به مؤثر می‌بریم، آیهی بزرگ خدا که نشان‌دهنده علم الله و قدرت الله است، علی علیه السلام می‌باشد. بیائید علی علیه السلام را بشناسیم تا خدای را بشناسیم. امروز نمایندهی حضرت علی علیه السلام، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ناشناخته مانده است. برای شناخت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز خداشناسی لازم است. مسلمانان وقتی الله اکبر را فهمیدند، به علم و قدرت نماینده او در این زمان واقف می‌شوند. مگر می‌شود خدای اکبر نماینده (نمایش دهنده) علم و قدرت نداشته باشد؟ کسب معرفت الله که «مأمور به» است از کجا غیر از نگاه به عظمت نمایندهی او محقق می‌شود؟ اگر زمین خالی از حجت الهی باشد، این بدین معناست که آئینهی خدانمایی وجود ندارد و کسب معرفت الله وظیفهی انسانها نیست و این با ادلهی عقلی و نقلی منافات دارد. در خاتمه، بنا به امر و دستور «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ» به یاد حجت یزدان، ولی دوران، حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشعاری ارائه می‌گردد.

«شعر»

بی عشق روی مهدی عمرم شود چه زائل غیر از محمد و آل نبود مرا وسائل با عشق روی گلهای دارم توسلی چند به به، به نور نرجس! قلبم بر اوست مایل از کافران نپرسم نور وجود مهدی با اجنبی نگویم امثال این مسائل سرّ ولا نداند آن کس که اجنبی شد افشا کنم هدف را بر شیعیان سائل بر صفحهی دل ما نقش نگار باشد نامه نگار اوئیم، به به از این رسائل قدر است نظرهی او در لیلهی مقدر فوج ملک به عشقش گردیده‌اند نازل

«تو خود حجابی»

شعری به عشق گفتم وفق مراد سائل هر کس شنید گفتا: لَلَّهِ دَرُّ قَائِلٍ گفتم انیس دلها از بهر چه نیایی؟ گفتا تو خود حجابی چون و

چرا چه حاصل؟ گفتم ز چه نصیبی از دیدنت ندارم؟ گفتا اسیر نفسی آتش بزن تو حائل وز معصیت پرهیز با نفس دون در آویز حقاً همین معاصی گردیده است فاصل بر حکم دین نظر کن با متقین سفر کن از سیر در شریعت شاید شوی تو واصل گفتم ترحمی کن از بهر ما یتیمان گفتا منم رؤوف و بهر یتیم کافل من مقصد أَلَسْتَم کون و مکان به دستم از ارتباط با من هرگز نشو تو غافل «کوچک» به یاد رویم اشک شعف بریزد او با عنایت ما گردیده است ناقل یابن الحسن العسکری در حدیث آمده است: النَّظْرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ (۹۲) اماما، وارث و نماینده‌ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمائید و همچنان که ذکر بزرگی و عظمت مقامتان عبادت است، نظر به چهره‌ی نورانی و مقدستان عبادت است، ولی دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَمَّا تُرِي وَ السَّلَام عَلِيكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحر العلوم

برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحر العلوم که به زودی منتشر می‌گردد: ۱. مباحث تخصصی امامت و مهدویت از دیدگاه قرآن-عربی، فارسی، روسی، سواحلی، اندونزی و چینی. ۲. حقائق که در عاشورا ترسیم شد- فارسی. ۳. مرآة الجمال- دل نوشته‌های مهدوی- عربی و فارسی. ۴. دعای ندبه تجلیگاه عشق- ویرایش جدید- فارسی و عربی. ۵. نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان- فارسی، انگلیسی و فرانسه. ۶. الصرخة- نقد شبهات روز- عربی و فارسی. ۷. دروغ پردازی پشتوانه ماتریالیسم- چاپ جدید- فارسی و انگلیسی. ۸. مقدمه تقویم ایمان فی فضائل امیرالمؤمنین- چاپ جدید- عربی. ۹. وظائف موعودیان- چاپ جدید- فارسی و عربی. ۱۰. پاسخ بافته‌ها - نقدی بر اندیشه‌های شبستری- فارسی. ۱۱. انتخاب برترین سیستم- نقد افکار مارکسیستی- ویرایش جدید- فارسی. ۱۲. عبور از پرتگاه- میزگرد و نشستنی با دکتر تیجانی- عربی و فارسی. ۱۳. نصیحتی الی شیخ الوهابیه- عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه، اردو و روسی. ۱۴. خصائص الامراء (قسمت دوم). ۱۵. و ده‌ها کتاب دیگر. ضمناً از معظم له ده‌ها مقاله جهت همایش‌های علمی در دانشگاه‌های داخلی و خارجی، روزنامه‌ها، مجلات و سایتهای مختلف تدوین گردیده، که با توفیق الهی در مجموعه‌ای کامل تنظیم و در چند مرحله چاپ و منتشر می‌گردد.

پی نوشت

(۱). اعراف، ۱۸۰ (۲). البرهان ج ۳، ص ۲۴۸، ذیل آیه شریفه (۳). همان (۴). الذاریات، ۵۶ (۵). محققین مباحث ولایت و تشنگان معارف امامت را ارجاع می‌دهیم به کتاب شریف و فرید «المنهج القويم» اثر کیمیا اثر فقیه عظیم الشأن، آیه الله سید محمد رجایی (دام ظلّه) (۶). طه، ۱۴ (۷). مؤمنون، ۲ و ۳ - الخشوع قریب المعنی من الخشوع و ضد الخشوع؛ الاستکبار (التیابان، ج ۱، ذیل آیه وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) (... ۸). ولایت کلیه، ص ۵۰، نوشته عالم ربانی آیت‌الله میرجهانی (قدس سره) از بحار الانوار علامه مجلسی (قدس سره)، باب نادر در معرفت ائمه (صلوات الله علیهم) (۹). واقعه، ۱۰ (۱۰). مدثر، ۴۲ و ۴۳ (۱۱). نور الثقلین، ج ۸، ذیل آیه شریفه (۱۲). شرح لمعه، باب سبق و رمایه (۱۳). خیرات؛ ولایت است. نور الثقلین، ج ۱، ذیل آیه: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (۱۴). بقره، ۴۵ (۱۵). مدثر، ۴۲ و ۴۳ (۱۶). فرقان، ۵۷ (۱۷). شوری ۲۳ (بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم). (۱۸). سبأ، ۴۷ (۱۹). جن، ۱۶ (و اگر آنها (جن و انس) بر طریقه (ایمان) استقامت ورزند ما آنها را با آب فراوان سیراب می‌کنیم). (۲۰). فصلت، ۳۰ (کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند) (۲۱). فتح ۲۶ (و در مقابل) خداوند آرامش را بر رسول خود و مؤمنان نازل فرمود، آنها را به کلمه تقوی ملزم ساخت). (۲۲). آل عمران، ۳۹-۴۵ (۲۳). بقره، ۳۷ - بقره، ۱۲۴ (۲۴). زخرف، ۲۸ (۲۵). مائده، ۳۵ (۲۶). و یا اعتقاد به اسلام با قبول ولایت شما کامل و تمام می‌شود، همانطور که قرآن پس از ابلاغ ولایت می‌فرماید: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (۲۷). البرهان، ج ۷، ص ۲۴۳

(۵۴). زخرف، ۴۵، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۵۶ (۵۵). اشاره به آیهی نور، سورهی نور (۵۶). آل عمران، ۶۱ (۵۷). قصص، ۵ (ارادهی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین منت گذاریم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.) (۵۸). مائده، ۶۷ (و اگر تبلیغ ولایت‌نمایی رسالت او را انجام نداده‌ای.) (۵۹). تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۶۱ (۶۰). بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۵ (۶۱). صافات، ۲۴ (آنان را متوقف کنید زیرا مسؤولند. بعضی جاها «وقف» به معنی متعدی می‌آید و بعضی جاها لازم استعمال می‌شود، مصدر متعدی وقف است و مصدر لازم وقوف.) (۶۲). الرحمن، ۲۷ (۶۳). ینابیع الموده، ج ۲، ص ۷۶ و ۲۲۹ - کنز العمال، حدیث ۳۲۸۹۴ (۶۴). ینابیع الموده، ج ۲، ص ۷۹، ناشر: دارالاسوه (۶۵). ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۷۰، ناشر: دارالاسوه (۶۶). قدر، ۱ (۶۷). اهلیت کلید مشکلها، ص ۲۲۶ (۶۸). اشاره به حدیث «من مات» که در صفحهی ۲۸ مدرک آن را آوردیم. (۶۹). انفال، ۶۲ (او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.) (۷۰). شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۴ (۷۱). طه، ۱۲۴، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۸ (۷۲). محمد، ۹ (۷۳). زخرف، ۴۵ (۷۴). شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۵۹ (۷۵). مائده، ۵ (۷۶). نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰۰ (۷۷). بقره، ۱۲۶ (۷۸). ابراهیم، ۳۵ (۷۹). آل عمران، ۹۷ (۸۰). رعد، ۲۸ (۸۱). اشاره به حدیث سلسله الذهب: قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِضْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَرْ مُحْكَمِي مِنْ أَسْتِ؛ بِسْ هِرْ كَسْ كِهْ دَرْ قَلْعِهْ وَ دَرْ مَنْ دَرْ آيْدِ، اَزْ عَذَابِمِ دَرْ اَمَانِ اسْتِ». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ بر آورد: «به شروطش و من از شروط آنم». بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحهی ۱۲۳ (۸۲). سوره نور، آیه نور (۸۳). اعراف، ۱۵۷ (۸۴). فرقان، ۴۸ و ۴۹ (۸۵). اسراء ۹ (۸۶). جنه العاصمه، آیت الله میرجهانی (قدس سره)، ص ۱۴۹ (۸۷). روم، ۳۰ (۸۸). بقره، ۱۳۸ (۸۹). خوانندگان گرامی را به نتایج مطالعات دکتر اموتو، دانشمند ژاپنی پیرامون تأثیر کلمات و اخلاق و ضمیر انسان بر آب ارجاع می‌دهیم. (۹۰). بقره، ۲۳۸ (۹۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که فرزندی از او متولد شد، باید که اذان در گوش راست او و اقامه در گوش چپ او بگویند، این کار باعث می‌شود او از شر شیطان در امان باشد. حلیه المتقین، ص ۱۲۴ ۹۲. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۶۰

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از

حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر

که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

